بررسی مسئله اشتغال زنان بانگاهی اجمالی به عملکرد رسانه*

خزران رضوانی**

چکیده

یکی از مسائل بسیار با اهمیّت در دهه‌های اخیر مسئله اشتغال زنان می‌باشد. توجه و عنایت خاصّ به مسائل مربوط به زنان، نشأت گرفته از دریافت‌های عمیق دینی می‌باشد. مسئله اشتغال زنان تحت تأثیر عوامل و موانعی می‌باشد. زنان در دوره‌های گذشته، معمولاً کاری در خارج از خانه انجام نمی‌دادند و بیشتر به نقش‌های سنتی می‌پرداختند که انجام هرچه بهتر وظیفه مادری و همسری و انزوا و عدم اعتماد به نفس زن از پیامدهای مثبت و منفی این نگرش می‌باشد. امّا با گذشت زمان، زنان رفته رفته به عرصه مشاغل بیرون از خانه روی آوردند که باعث رشد و افزایش اعتماد به نفس و حس مفید بودن آنان شد در عین حال عدم اجرای کامل وظیفه مهّم مادری و همسری از مهّم‌ترین نتایج منفی این روند می‌باشد. رسانه‌ها به عنوان عامل مؤثر در ترویج فرهنگ در جامعه ابتدا به اشتغال زنان توجهی نمی‌کردند و زن سنتی خانه‌دار مورد تأیید بود امّا با مرور زمان، نیاز زنان به کار و نیاز جوامع به شغل‌های زنانه سبب شد رسانه‌ها نیز به این مسئله بپردازند و دیگر زن را محدود به خانه نمایش نمی‌دادند. رسانه‌ها در هر دو نگرش بیشتر به نقاط مثبت هرکدام پرداخته و به نقاط منفی کمتر توجه کرده‌اند. این مقاله با روشی توصیفی به بررسی نقاط مثبت و منفی تأثیر رسانه در اشتغال زنان پرداخته است.

واژگان کلیدی

زنان، اشتغال، رسانه، خانه داری، اشتغال زنان.

---

* تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۸.

** کارشناسی‌ارشد کلام اسلامی جامعةالمصطفی ﷺ العالمیه، kh.rezvani1991@gmail.com

مقدمه

کارکردن زنان در خارج از خانه همانند پدیده‌های دیگر اجتماعی از زمانی به زمان دیگر متحول می‌گردد. زن از زمان‌های قدیم تا به امروز غیر از خانه داری، در امور مختلف کشاورزی، گله‌داری، صنایع دستی و حتی امور نظامی دوش به دوش مردان مشغول فعالیت بوده است. ولی در دوره‌هایی که خانواده یک واحد اقتصادی نیز به حساب می‌آمده است، فعالیت‌های تولیدی زن که در خانه و یا نزدیکی آن انجام می‌گرفته است، جزء امور خانگی محسوب می‌شده و زن در ازای آن کارمزدی دریافت نمی‌کرده است.

با وقوع انقلاب صنعتی در اروپای غربی و تبدیل کارگاه‌های خانگی به کارخانه‌ها، و تبدیل نیروی انسان به نیروی ماشین، تحولات اساسی در شکل و مفهوم کار به وجود آمد و فعالیت اقتصادی زن در مقابل دریافت مزد از خانه به کارخانه کشیده شد. از آن زمان به بعد زنان با تحصیل علم در سطوح بالاتر، علاوه بر فعالیت‌های تولیدی، در سایر زمینه‌ها و در پست‌های گوناگون مشغول به کار شدند.

در اکثر کشورهای صنعتی که تساوی زن و مرد از نظر حقوق اجتماعی علاوه بر اینکه شکل مدون و قانونی به خود گرفته، مورد توافق اکثریت نیز هست، حدود نیمی از نیروی کار را زنان تشکیل می‌دهند. لذا در این کشورها این سؤال که «آیا زن می‌تواند در خارج از خانه کار کند؟» کمتر مطرح است و دولت‌های مربوط هم با ایجاد تسهیلات لازم سعی در کمک به زنان ـ به خصوص مادران ـ شاغل دارند. در نتیجه امور مربوط به خانه مانع اساسی برای شاغل شدن آنان نیست. امّا در کشورهای در حال توسعه که زنان به نسبت نیروی ناچیزی از کار را تشکیل می‌دهند، پدیده کار زن در خارج از خانه به عنوان یک مسئله اجتماعی هم در سطح خانواده‌ها و هم در سطح کشور به صورت نسبتاً حادی مطرح است. بنابراین وضعیت اشتغال زنان در سطوح خرد و کلان و از جهات گوناگون از زمینه‌های با ارزشی در تحقیقات اجتماعی است. (جارالله‌ی، ۱۳۷۲: ۲۴۹ـ۱۵۰)

شاغل بودن زنان، یکی از مسائل مهمّی است که امروزه بیش از گذشته در جامعه مطرح می‌باشد از این رو بررسی این مسئله از اهمیّت برخوردار است. هدف ما این است که در ابتدا به عواملی که باعث اشتغال زنان و موانعی که بر سر راه اشتغال زنان وجود دارد بپردازیم سپس در ادامه پیامدهای مثبت و منفی اشتغال زنان در بیرون از خانه و در درون خانه پرداخته خواهد شد. در پایان نیز نگاهی کوتاه به نگرش رسانه در مورد اشتغال زنان در گذشته و حال، به عنوان عامل اثرگذار در جامعه بیان خواهد شد.

روش تحقیق در این مقاله توصیفی و روش جمع‌آوری مطالب کتابخانه‌ای و سایت‌های مقالات می‌باشد.

مفهوم شناسی

«اشتغال» در لغت، به معنای به کاری پرداختن و به کاری سرگرم بودن است؛ همچنین توجه قلبی به کسی یا کاری را گویند. (دهخدا، ۱۳۳۸: ۲۶۳۳)

در اصطلاح آلن بیرو کار را این چنین تعریف کرده است: کار در معنای معمول آن اشتغالی است که پاداش بر آن مترتب باشد، از دست دادن کار خود به معنای سقوط در بیکاری است، این اصطلاح در معنای جمعی، مجموع فعالیت‌های اقتصادی یک ملت را در ارتباط با افرادی که حائز شرایط کارند، را در برمی‌گیرند. (بیرو، ۱۳۷۰: ۱۱۵)

توماس سووه در فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی نوشته است: اشتغال یعنی مشغول بودن به کاری که پاداش دارد. (سووه، ۱۳۴۵: ۲۴۵)

حسن امرائی عبدولی اشتغال را به زبان ساده این‌گونه تعریف می‌کند: جایی از درآمد مالی که در نتیجه‌ی آن بتوان ابتدایی‌ترین شکل زندگی در هر زمانی را متناسب با نیازمندی‌های آن فراهم نمود. (امرائی، ۱۳۸۸: ۱۹۹)

امّا به طور کلی اشتغال به آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی (فکری یا بدنی) که به منظور کسب درآمد (نقدی و یا غیر نقدی) صورت پذیرد و هدف آن تولید کالا یا ارائه خدمات باشد، گفته می‌شود.

«اشتغال زنان» در سه سطح خرد، کلان و توسعه تعریف می شود:

اشتغال برای تأمین زندگی خصوصی (زندگی خانوادگی)

سهیم بودن در ایجاد عدالت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی یا نظام موازنه (زندگی اجتماعی)

اشتغال به معنای سهیم بودن در تکامل (زندگی تاریخی)

تعریفی که امروز از اشتغال زنان ارائه شده و موضوع مطالعه و بررسی و ارائه راه‌حل قرار گرفته، اگر نتوان گفت که کاملاً، ولی به جرأت می‌توان گفت قریب به اتفاق فعالیت‌ها در جهت تأیید تعریف در سطح اوّل، یعنی تأمین زندگی خصوصی و پرداختن به موضوع در سطح خرد می‌باشد. بررسی در سطح خرد و تعریف اقتصادی از اشتغال، تبلیغ و اشاعه این مطلب

است که زنان باید بتوانند با دارا بودن شغل خارج از منزل به استقلال اقتصادی دست یابند، تا به شوهر وابسته نباشند یا در اجتماع حضور داشته باشند.

در این شکل که به تکامل تاریخی و ریشه ناهنجاری‌های اجتماعی توجه نمی‌شود و خود محوری اصل قرار می‌گیرد، به طور طبیعی فریفته‌گری فردی و تبرج برای فریفتن دیگران هدف می‌شود و آنگاه معنی اصلی هنر زن بودن در تجمل و تفاخر قابل مشاهده است. نمونه بارز و عینی این نگرش را می‌توان در ترویج و تبلیغ آموزش‌هایی در موضوعات آرایش و زیبایی، سفره آرایی، پخت و پز تجملی، کلاس‌های هنرهای دستی تزیینی، که موجب تفاخر و توجه به دنیا برای دنیا می‌شود، مشاهده نمود. فریفته‌گری در چشایی، و بینایی به عنوان نمونه هنر عینی زن بودن تلقی می‌شود و اشتغال، اگرهم بخواهد گسترده‌تر از معنای دارا بودن شغل رسمی تلقی شود، این قبیل آموزش‌ها و مشغولیات را شامل می‌شود. (https://hawzah.net/fa/Magazine/View/3674)

با ورود زنان به بازار کار و فعالیت در خارج از خانه به خودباوری رسیدند این تحول درونی آنان را بر آن داشت که خواستار تغییراتی در وضعیت جامعه باشند، «حقوق را باید مطالبه می‌کرد همانگونه که مدافعان حقوق زنان از آغاز تاکنون چنین کرده‌اند، مری وستون کرافت مدافع حقوق کلاسیک زنان در قرن نوزدهم، می‌کوشید زنان را ترغیب کند که تلاش کنند قدرت به دست آورند».

بنابراین زنان بعد از ورود به بازار کار و دستیابی به قدرت اقتصادی، سعی کردند خلاقیت و کارآیی خودشان را در زمینه‌های مختلف زندگی اجتماعی نشان دهند. از جمله تغییراتی که با اشتغال زن ایجاد شد تغییر ساختار قدرت تصمیم‌گیری زنان در چارچوب خانواده می‌باشد. در جامعه سنتی طرز تفکر در اجتماع برپایه چایگاه محول است و یکی از شاخص‌های جامعه سنتی برای سنجش و تفاوت گذاشتن بین افراد جامعه جنسیت است که در این تقسیم بندی جنس برتر و جنس اوّل مردان هستند که بنابر تئوری تضاد کالینز قدرت در اختیار مردان است و وقتی یک جنس قدرت را در اختیار دارد از این قدرت برای اعمال سلطه بر جنس ضعیف‌تر استفاده می‌کند، بنابراین برای این که کلیت نابرابری بین دو جنس کاهش پیدا کند جنس ضعیف‌تر باید راهکارهایی را به کار ببرد تا بتواند قدرت جنس برتر را تا حدودی کاهش دهد. (زنجانی‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۴۴)

در عصر حاضر اشتغال زنان تا حدودی می‌توانند راهکارهایی برای کنترل قدرت جنس برتر باشند. با وارد شدن اشتغال زنان به عنوان یک پدیده جدی به ساختار جامعه سنتی،

تغییراتی را ایجاد کرده و نتایجی به بار آورده است که یکی از این تغییرات، تأثیر اشتغال بر قدرت تصمیم‌گیری زن در خانواده و افقی شدن هرم تصمیم‌گیری در خانواده است. در این زمینه دیده می‌شود که تا حدودی زنان توانستند در مسائل مختلف خانواده دارای ایده باشند و ابراز عقیده کرده و تصمیم‌گیری نمایند به طوری که این تحول در جامعه از درصد بالایی برخوردار باشد دوران گذر از جامعه سنتی را نشان می‌دهد. (سعیدیان، ۱۳۸۴: ۱۳۹)

«رسانه» یا Media از لحاظ لغوی به معنی رساندن، حامل یا واسطه پیام است. منظور از رسانه‌های جمعی یا عمومی آن دست وسایل‌هایی هستند که مورد توجه تعداد کثیری می‌باشند و از تمدن‌های جدید بوجود آمده‌اند.

رسانه به معنی هر وسیله‌ای است که انتقال دهنده فرهنگ، افکار، پیام و به طور کلی هر مفهومی از عده‌ای به عده‌ای دیگر باشد و اکنون آن‌چه مصداق این تعریف است وسایلی همانند: روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، CDها، ویدئو و ... می‌باشند. (پیرجلیلی، ۱۳۹۴: ۱۵۸)

عوامل مؤثر در اشتغال زنان

اشتغال زنان از نظر جامعه‌شناسی خانواده، معلول علل گوناگونی است. مطالعات انجام شده در کشورهای صنعتی از تنوع علل حکایت دارد. در کشور فرانسه ۹۵ درصد زنان برای ترفیع اقتصادی و ۶۶ درصد جهت امکان‌پذیر ساختن ادامه تحصیل فرزندان خودکار می‌کنند و علاقه به نقش کار، تنها انگیزه ۴۰ درصد آن‌ها درامر اشتغال است.

شاید بتوان گفت که اشتغال مظهر نوعی رمانتیسم برای زنان است، که گریز از خانه را برای آن‌ها تسریع می‌کند. امروزه با پیدایش تکنولوژی جدید مورد استفاده آشپزخانه و از منسوخ شدن آشپزی سنتی زنان به کار بیرون از خانه گرایش بیشتری نشان می‌دهند. (کارشناسی، ۱۳۷۶: ۱۳۰)

به نظر بلاد آلتون: «یکی از انگیزه زنان شوهردار برای قبول شغل ـ که از همه شایع‌تر است ـ میل شخصی زنان به گریختن از محیط به اصطلاح خسته کننده و کسالت‌آور خانه است. زن جوانی که در طی روز از بچه‌های خردسالش نگهداری می‌کند؛ وقتی خستگی به او روی می‌آورد به وضع به اصطلاح مطلوب شوهر یا خواهر مجرد و شاغل خود رشک می‌برد و فکر می‌کند که آن‌ها چقدر خوشبختند که حرفه‌ای در خارج از خانه دارند. آن‌ها از فراغتی که هر روز، هنگام رفت‌وآمد به محل کار دارند، لذت می‌برند. برای مادری که از کثرت کار خسته

شده، مشکل نیست وضع دیگران مخصوصاً آن‌هایی را که به کار فکری اشتغال دارند، به صورت رمانتیک و افسانه‌گونه در نظر خود مجسم سازد. او نزد خود می‌پندارد که تنها راه رهایی از این وضع، قبول شغل در خارج از خانه است و فکر می‌کند چون درآمد او تهیه وسایل مراقبت از کودکان را میسر می‌سازد، از این حیث زیانی متوجه او نخواهد شد». (آلتون، ۱۳۳۳: ۹)

برخی از علل و عوامل رویکرد زنان به اشتغال را می‌توان موارد زیر بیان کرد.

تحول در ساختار اقتصادی

در چند دهۀ قبل، اشاعۀ آموزش به سبک جدید و در نتیجه بالا رفتن سن کار، سبب شده است که خانواده بخشی از نیروهایی را که در گذشته به بازار کار می‌فرستاد از دست بدهد و نوجوانان که در گذشته نیروی کار و از منابع درآمد خانواده به حساب می‌آمدند به عناصر مصرف‌کننده تبدیل شوند. این موضوع تعادل مالی خانواده‌ها را از میان برده و سبب شده است زنان بخشی از فرصت‌های اشتغال را، برای تأمین دستمزدی که در گذشته به فرزندان آنان تعلق می‌گرفت، درخواست کنند. از سوی دیگر، سیاست‌ها و تحولات اقتصادی در دهه‌های اخیر سبب شده است نسبت هزینه‌ها به در آمد تغییر کند. فرار از فقر و کمک به اقتصاد خانواده در کشورهای دیگر نیز از علل روی‌آوری زنان به اشتغال است. امّا آنچه در دهه‌های اخیر بیش از فقر واقعی، در تمایل به اشتغال زنان مؤثر بوده، احساس فقر است، یعنی احساسی که به شخص پس از مقایسۀ وضع اقتصادی خود با طبقات بالاتر دست می‌دهد. با گسترش رسانه-های گروهی، تصویر یک زندگی مرفه‌تر تا دورترین نقاط جوامع نفوذ یافته، و در این حالت نیازهای بی‌حد و حصری رشد می‌کند، و نارضایتی عمیق از وضعیت اقتصادی کنونی مردم را به تکاپوی هرچه بیشتر وا می‌دارد.

احساس مسئولیت اجتماعی

افزایش آگاهی‌ها و توانمندی‌ها و افزایش سطح فرهیختگی در بسیاری از زنان، احساس مسئولیت در قبال جامعه را بیش از گذشته برانگیخته و آنان را به احراز مناصب اجتماعی، فعالیت سیاسی و فرهنگی سوق داده است. به ویژه، در عرصه‌های فرهنگی، در موقعیت‌هایی چون معلمی، مشاورۀ پرورشی، پزشکی و علمی پژوهشی می‌توان زنان پرشماری را یافت که دغدغه‌شان اصلاح فرهنگ عمومی، ارتقای علمی کشور و حل نیازمندی‌های جامعۀ زنان

است، و حساسیت‌های دینی، ملی و انسانی، انگیزه‌ی اصلی آنان برای حضور در این عرصه‌ها بوده است.

ترس از آینده

دگرگونی‌ها دهه‌های اخیر، در کشورهای مختلف، سبب افزایش تجرد زنان و نیز آمار طلاق شده است. به این ترتیب، دختران جوان احتمال بیشتری می‌دهند که در آینده فرصت ازدواج را به دست نیاورند، یا پس از ازدواج با نگرانی بیشتری از طلاق مواجه‌اند. از سوی دیگر، تحولات خانواده و کم شدن اعضای طایفه، به کاهش میزان حمایت‌های اقتصادی خانوادهٔ هسته‌ای و طایفه از اعضای خود انجامیده است. بنابراین زنان از آینده‌ی اقتصادی خود بیمناک‌اند و به همین دلیل به درآمدزایی و به ویژه احراز مشاغل ثابت و اداری، تمایل دارند. توقع برخی مردان در زمینهٔ مشارکت زنان برای تأمین هزینه‌های خانواده و احتمال اعتیاد شوهر نیز بر این نگرانی می‌افزاید. از سوی دیگر، می‌توان تزلزل موقعیت اقتصادی مرد در مشاغل روزمزدی یا احتمال اخراج همسر از محیط کار را سبب افزایش آینده‌نگری زنان دانست؛ چنان‌که ناکافی بودن حقوق بازنشستگی و خدمات تأمین اجتماعی مردان سرپرست خانوار زمینه‌ی نگرانی زنان را بیشتر می‌سازد.

ویژگی‌های بازار کار (افزایش تقاضا برای کار زنان)

در بسیاری مشاغل، کارفرمایان به جذب نیروی کار زنان علاقمندند؛ به نظر می‌رسد زنان، در مقایسه با مردان، تلقی مثبت‌تری از فعالیت‌های یکنواخت دارند و برای این کارها حوصلهٔ بیشتری نشان می‌دهند. افزون بر این، در صنایع رقابتی، به کارگیری نیروی کار زنان، با دستمزدهای کمتر از مردان، مزیتی مهّم به شمار می‌آید. کارفرمایان علل گرایش به جذب زنان را دستمزد کمتر آنان، مسئولیت‌پذیری و سربه راهی بیشتر، مهارت‌های مرتبط با وظایف خانگی در مشاغلی چون آموزگاری، پرستاری، خیاطی، آشپزی و نظافت، و همچنین جاذبه‌ی بیشتر زنان در مشاغلی چون فروشندگی و پیشخدمتی برای جلب مشتری، عنوان کرده‌اند.

افزایش اوقات فراغت

نظام آموزشی جدید سبب شده است فرزندان مدت زیادی را خارج از خانه بگذرانند. کوچک شدن فضای خانه و کم شدن روابط خویشاوندی نیز تأثیر منفی اوقات فراغت را بر زنان بیشتر

کرده است. در این وضعیت انتخاب حضور اجتماعی برای بسیاری از زنان راهی برای پر کردن اوقات فراغت به شمار می‌آید و از آنجا که مدیریت اجتماعی زمینه‌های متنوعی برای فعالیت اجتماعی زنان و پر کردن اوقات فراغت آنان در نظر نگرفته است، اشتغال یکی از مهم‌ترین گزینه‌های پیش روی آنان خواهد بود. (زعفرانچی، ۱۳۸۸: ۲۵ـ۴۲)

موانع اشتغال زنان

وارد نشدن زنان به عرصه اشتغال معلول عواملی است از جمله:

1. پایین بودن سطح تحصیلات و مهارت زنان

2. عوامل اجتماعی و خانوادگی

مانند میزان درآمد شوهر (در صورت ازدواج)، تعداد فرزندان، سن بچه‌ها و سطح فکر افراد خانواده از عوامل مؤثر در اشتغال زنان است. در اشتغال زنان جوان (کمتر از ۲۰ سال) بیش از هر چیز درآمد پدر و مادر آن‌ها مؤثر بوده است و خانواده‌هایی که توانایی مالی کافی ندارند، غالباً ناچار می‌شوند که دختران خود را به جای تحصیل، به کار بگمارند. در مورد زنانی که دارای شوهر و فرزند هستند، مسئولیت نگهداری و تربیت بچه‌ها به زنان محول می‌شود و آن‌ها دیگر فرصت کار کردن را نخواهند داشت. علاوه بر آن اگر زنی فرصت اشتغال داشته باشد ولی درآمد شوهرش کافی باشد، نگهداری بچه ها و شوهر خود را به کار کردن در خارج از خانه ترجیح می‌دهد.

3. بحران های اقتصادی

در شرایط عادی اقتصادی و روند کند توسعه، زنان به عنوان نیروی کار ذخیره بالقوه تلقی می‌شوند و در شرایط بحران اقتصادی، این محدودیت برای زنان بیش از پیش مطرح خواهد بود زیرا تأمین شرایط کار مساوی (با مردان) برای زنان بسیار مشکل است. در بین این عوامل باید گرایش عمومی کارفرمایان را به‌ویژه در بخش خصوصی جهت به کارگیری نیروی کار مردان و ارجحیتی که برای آنان قائلند را اضافه کرد.

البته کارفرمایان کوچک که خارج از شمول قانون کار هستند، مشتاق به کارگیری زنان هستند زیرا آنان هم بیشتر و طولانی مدت تر کار می‌کنند و هم با مزد کمتری قانع می شوند و ... .

4. عادات، رسوم، سنت‌ها

والدین مخصوصاً در جوامعی نظیر ایران بخصوص در شهرستان‌ها و روستاها دوست ندارند فرزندان دخترشان بیش از حد مجاز که سنت‌ها در هر منطقه و محله آن را تعیین می‌کنند، از خانه دور شوند، لذا هر چند آمار مدارس در روستاها و شهرستان‌های دورافتاده امیدوارکننده است، در صورتی که در دسترس دختران قرار نگیرد، نمی‌تواند زنان آینده را برای ورود به بازار کار و تحقق مشارکت با مفهوم تخصصی آن آماده سازد.

5. قوانین ناظر بر خانواده

زنان بر اساس قوانین ناظر بر خانواده، نمی‌توانند بدون طلب رضایت شوهر، به کار اشتغال ورزند. در قانون ۱۱۱۷ قانون مدنی آمده است: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند».

6. میزان سواد زنان شاغل

یکی از علل کاهش میزان اشتغال زنان، عمومیت یافتن سواد و بالا رفتن میزان تحصیلات آنان می‌باشد. ۶۰ درصد زنان شاغل باسوادند که اکثریت در سطح دبیرستان تحصیل کرده‌اند. درحالی که ۵۰٪ مردان شاغل، باسوادند.

یافته‌های پژوهشی حاکی از این است که نرخ اشتغال زنانی که شوهرانشان تحصیلات دانشگاهی دارند نسبت به زنانی که شوهرانشان فاقد تحصیلات دانشگاهی می‌باشند، سه برابر بیشتر است.

بنابر توضیحات ارائه شده در مورد عوامل مؤثر در اشتغال زنان، همانطور که اشاره کردیم شرایط اجتماعی و فرهنگی یک جامعه ایجاب می‌کند گاهی زنان به اشتغال رو بیاورند و با توجه به وضعیت کنونی اقتصادی و اجتماعی جامعه ما، درصد موافقت مردان با اشتغال زنان افزایش یافته و این حاکی از نیاز به فعالیت اقتصادی زن جهت تأمین مخارج خانواده است؛

احتمال دیگری که می‌رود، تغییر دیدگاه مردان و مثبت اندیشی بیشتر در آنان در مورد اشتغال زنان می‌باشد. (مدنی‌پور، ۱۳۸۵: ۵۴ـ۵۵)

پیامدهای منفی و مثبت اشتغال زنان و زن خانه‌دار

زنانی که فقط در محیط خانه کار می‌کنند و همچنین زنانی که علاوه بر خانه در اجتماع نیز فعالیت می‌کنند، پیامدهای مثبت و منفی بر هر دو بار می‌شود. که به نمونه‌هایی از این پیامدها اشاره می‌شود.

پیامدهای مثبت اشتغال:

اشتغال زنان باعث افزایش آگاهی و بینش اجتماعی آنان و ایجاد روحیهٔ اعتماد به نفس، رشد، استقلال فکری و روحی آنان می‌شود. (محتشمی، ۱۳۷۸: ۸۱)

کمک به فهم و درک مسائل زنان و کمک به حل این مشکلات، چراکه با حضور آنان در اجتماع بیشتر مشکلات و مسائل زنان را فهمیده و سعی در رفع آن می‌نمایند.

بالارفتن منزلت زن در جامعه

مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌ها باعث می‌شود از حالت انفعالی خارج شده و به صورت فعال در اجتماع حاضر شوند.

آشنایی بیشتر با روش‌های افزایش بهره‌وری امکانات مادّی و معنوی خانواده و تلاش در جهت افزایش بهره‌وری.

افزایش توان مدیریتی زنان که کمک به سزایی در تصمیم‌گیری‌های اساسی خانواده خواهد کرد.

کمک به حفظ شئونات اسلامی و حفظ حریم زن و مرد، در صورت رعایت موازین از طرف زن شاغل.

استفاده از اوقات فراغت و جلوگیری از آسیب‌پذیری اجتماعی در اثر فقر و نیاز مالی به خصوص در مورد زنان بیوه و مطلقه.

کمک به اقتصاد خانواده.

کمک به شادابی و سلامت روح و جلوگیری از افسردگی در اثر بیکاری و یک‌نواختی زندگی روزمره.

پیامدهای منفی اشتغال زنان

کارخانه‌داران و سرمایه‌داران به دلیل دستمزد کمتر زنان از آن‌ها دعوت کردند تا مشغول به کار شوند. آن‌ها برای اینکه مادران به خاطر تنها ماندن فرزندان کوچک خود از کار در بیرون از خانه صرف نظر نکنند مهدکودک، شیرخوارگاه و تأسیس کردند تا مادران با خیالی آسوده، در محیط کار حاضر شوند، بر اثر این تبلیغات زنان زیادی وارد بازار کار شدند و تا به امروز نیز این روند ادامه یافته است.

بر اثر کار زیاد به مادران صدمه‌های جسمی و روحی شدیدی وارد می‌شود چراکه این مادران به علّت درگیری‌های اجتماعی و رقابت‌های شغلی که در محل کارشان رخ می‌دهد دچار ناراحتی‌های اعصاب و روان می‌شوند.

یکی دیگر از اثرات منفی اشتغال برآورده شدن نیاز مالی زنان می‌باشد که این امر اگرچه در وهله اوّل خیلی خوب و مثبت به نظر می‌رسد امّا واقعیت این است که زنی که نیاز مالی نداشته باشد تمایل کم‌تری برای ازدواج دارد همان طور که اگر مردی نیاز جنسی در خود نبیند ازدواج نمی‌کند هم‌چنان که این روزها این احساس عدم نیاز از دو طرف فهمیده می‌شود و به همین دلیل آمار طلاق بسیار بالا رفته است.

کار زنان خطر رقابت بین زن و شوهر را افزایش داده و در نتیجه تفاهم و همدلی آن‌ها آسیب می‌رساند، چراکه مرد به عنوان پدر خانواده، نان‌آور خانه محسوب می‌شود و اگر زن نیز شغل نان‌آوری را بر عهده گیرد میان زن و شوهر رقابت به وجود آمده و دیگر نمی‌توانند به دید شریک زندگی به هم نگاه کنند و محیط زندگی همانند محیط کار و روابط دو همکار خواهد بود.

کار مادر برای کودک یک نوع محرومیت محسوب می‌شود. غیبت مادر از سه تا شش سالگی روی کودک تأثیر بدی می‌گذارد. این کمبود باعث می‌شود که کودک موجودی شکاک و بدبین و عاری از مهر و محبت به دیگران شود و مبتلا به شب ادراری و بدخوابی گردد. طبق تحقیقات صورت گرفته کودکانی که به مهدکودک‌ها سپرده می‌شوند نشانه می‌دهند که رشد این کودکان کمتر از حد طبیعی بوده و دچار عوارض منفی می‌شوند کودکستان و دیگر مراکز نگهداری از کودکان نمی‌تواند جایگزین خوبی برای خانواده باشند و مربیان نیز نمی‌توانند جانشین خوبی برای مادر باشند. جدا شدن کودکان از مادران در نتیجه اشباع نشدن آن‌ها از عاطفه مادری، زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات روحی و روانی در آینده خواهد شد، اگرخوب بررسی شود معلوم می‌شود که جوانان پرخاشگر، ناراحت، بی‌اعتنا نسبت به قانون و از تربیت

صحیح و عاطفه‌ی مادری محروم بوده و به همین دلیل گرفتار عقده‌های روانی و ناهنجاری‌های اجتماعی شده‌اند. (http://www.islamic-family.com)

نتایج مثبت خانه‌دار بودن زنان

طبق تحقیق‌های انجام شده گذراندن وقت کودک با مادر در حین رشد اهمیّت بسیاری دارد و به همین دلیل، ماندن مادر در خانه مؤثر و مفید خواهد بود. حضور همیشگی مادر در خانه باعث ایجاد یک وابستگی عمیق میان مادر و کودک می‌شود. این وابستگی، برقراری ارتباط متقابل میان والدین و فرزند، به خصوص در دوران نوجوانی را آسان‌تر می‌سازد. فرزندان همانطور که بزرگ می‌شوند ارزش‌های اخلاقی و نکته‌های مثبتی را که از مادر فراگرفته‌اند را با زندگی روزمره‌شان وفق می‌دهند. در واقع مادرانی که ماندن در خانه را به جای کار بیرون برمی‌گزینند، نمی‌خواهند مواضع قدرت خود در خارج از خانه را به قیمت تحمل فشار روانی و نداشتن وقت کافی برای خانواده حفظ کنند. همچنین زنان فرصت مناسب برای ایفای هرچه بهتر نقش همسری را نیز دارا می‌باشند.

نتایج منفی خانه‌دار بودن زنان

برخی بررسی‌ها نشان می‌دهد در خانه ماندن زنان نیز می‌تواند مانند اشتغال وی اثرهای منفی داشته باشد؛ به عنوان مثال، ممکن است باعث ایجاد مشکل‌های مالی بیش‌تر، دخالت بیش از حد والدین در تحصیل فرزندان و مراقبت از آن ها گردد.

در بعضی خانواده‌ها درآمد مادر نقش به سزایی در رهایی از فقر دارد. درآمد مادران به آن‌ها کمک می‌کند زمانی که کودکانشان بزرگ‌تر شده و به تحصیل و تغذیهٔ بیشتر نیاز دارند قدرت عمل بیشتری داشته باشند. علاوه بر این به نظر می‌رسد بعضی از کودکان که مادرانشان خانه‌دار هستند برای ادامهٔ تحصیل انگیزهٔ کمتری دارند؛ زیرا درک چندانی از فواید تحصیل برای زندگی ندارند؛ خانه‌دار بودن مادر به عنوان یک الگو، تحصیل را در نظر آنان بی‌اهمیّت جلوه می‌دهد. انزوا و گوشه‌گیری و عدم اعتماد به نفس و عدم حس مفید بودن از دیگر نتایج منفی می‌باشد. (میرخندان، ۱۳۹۲: ۳۴)

اهمیّت عملکرد رسانه

امروزه رسانه‌ها، نقش مهّمی در تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به‌ویژه فرهنگ دارند و به نوعی در پی تسلط بر زندگی مردم هستند؛ بنابراین ذهنیت مردم را با انفجار اطلاعات (درست یا نادرست) شکل می‌دهند تا بتوانند بر زندگی آن‌ها و شیوه آن مسلط شوند. (سیف اللهی، ۱۳۷۳: ۱۲۸)

رسانه‌ها افکار، عقاید و نگرش‌های جدید را در میان افراد جامعه پخش می‌کنند و با تأکید بر برخی نگرش‌ها، جنبه‌های مثبت یا منفی آن را بارز می‌سازنند. به جرئت می‌توان ادّعا کرد که رسانه‌های یک کشور، سبب ایجاد آگاهی اجتماعی در افراد می‌گردند و بدون وجود رسانه‌ها، افراد آن جامعه برای کسب هر نوع اطلاعاتی به شخص خود و یا محدوده‌ی کوچک آشنایان خود وابسته می‌گردند و به ناچار، برای انجام دادن هر کاری، به داوری و نگرش خود مراجعه می‌کنند.

امّا در اثر وجود رسانه‌ها و تبلیغ و تأکید بر اطلاعات، اخبار و رویدادهای اجتماعی و سیاسی، افراد جامعه از تازه‌ترین پدیده‌ها آگاه می‌شوند و حتی نگرش‌ها و باورهای عمومی جامعه نیز در اثر وجود رسانه‌ها تغییر می‌یابد؛ زیرا افراد دارای آگاهی اجتماعی می‌کردند و از وابستگی به خود رها می‌شوند و آگاهی جمعی نیز در آنان به وجود می‌آید. در این شرایط، افراد دیگر تنها وابسته به خود باقی نمی‌مانند و از نگرش عمومی جامعه که از طریق رسانه‌ها مطرح می‌شود، پیروی می‌کنند.

رسانه‌ها از طریق ارائه درست و یا نادرست مطالب، باعث جهت‌گیری افراد می‌گردند و به نوعی قادرند یک طرز تفکر عمومی در جامعه ایجاد کنند. به دلیل ارائه پیام از طریق رسانه‌ها، افراد عقیده فردی خود را در مقابل عقیده اجتماعی (رسانه‌ها) می‌بینند و در بسیاری موارد در جهت پیام رسانه تغییر عقیده می‌دهند. (اعزازی، ۱۳۷۳: ۲۰)

ویژگی اصلی رسانه‌ها همه جا بودن آن‌هاست. بر خلاف مدرسه و دیگر ارکان حیات انسانی، رسانه‌ها امری فراگیرند آن‌ها می‌توانند یک کلاس بی‌دیوار با میلیاردها مستمع تشکیل دهند. رسانه‌ها وظیفه حراست از محیط را به‌عهده دارند آن‌ها باید همبستگی کلی را بین اجزاء جامعه در پاسخ به نیازهای محیطی ایجاد کنند و مسئولیت انتقال میراث اجتماعی از نسلی به نسل دیگر را به عهده دارند.

رسانه‌ها هم حرکت و پویایی و سرزندگی را تقویت و تولید می‌کنند هم رخوت و تنبلی و سستی. از یک سو احساس‌های عاطفی، محبت و صداقت را برمی‌انگیزند و از سوی دیگر احساس زشتی، دشمنی، بی‌اعتمادی، دروغ و خشونت را زنده می‌کنند. این کارکرد به‌طور

طبیعی موجب پیدایش تضاد درونی ـ رفتاری در مقیاس فردی و اجتماعی می‌شود. (پیرجلیلی، ۱۳۹۴: ۵۲)

بررسی نگرش رسانه در مورد اشتغال زنان

رسانه نسبت به اشتغال زنان و همچنین زنان خانه‌دار نگرش‌های متفاوتی در طول زمان داشته است. چنانکه در دهه‌های گذشته نگرش رسانه به این صورت بود که در بیشتر فیلم‌ها زن در چارچوب خانواده می‌ماند و در هیچ گروه دیگر جامعه عضویت نداشت. تنها گروه موجود برای او خانواده خود و خانواده پدر و مادری بود. افکار او نیز متمرکز به خانواده بود و هیچ نوع اطلاعی از جهان خارج کسب نمی‌کرد. در هیچ گروه ورزشی، اجتماعی، سیاسی و یا خیرخواهانه فعالیت نداشت و حتی دختر شاغل نیز هیچ ارتباطی با یکدیگر همکاران خود در زمینه کسب خبر و اطلاع از محیط شغلی نداشت. در این فیلم‌ها، تأهل، داشتن فرزند و محدود بودن به خانواده، الگوی مطلوب جامعه بود.

رسانه‌ها و نهادهای دیگر بر نوعی از تقسیم نقش و زندگی تأکید می‌کردند که بر انزوای اجتماعی زنان تأکید داشت. به‌خصوص در بسیاری موارد، سازمان‌های مختلف نیز سعی دارند زنان را از محیط‌های شغلی ـ اجتماعی خارج کنند. درصد بسیاری بالایی از زنان فقط به دلیل کسب درآمد کار می‌کنند؛ زیرا یک درآمد برای اداره‌ی زندگی کفایت نمی‌کند. بسیاری از زنانی که از مشاغل استخدامی خارج شده‌اند، به اجبار باید در خانه درآمد برای خود به‌وجود آورند. امّا این دسته زنان در هیچ کجا مطرح نمی‌شوند. معمولاً در شرایط بیکاری، زنان را از محیط کار می‌رانند تا مردان بیکار را به جای آنان استخدام کنند. هرچند که با این عمل به ظاهر از بیکاری مردان کاسته می‌شود، امّا بیکاری زنان به صورت پنهانی وجود دارد.

نه تنها سیاست‌ها متوجه بیرون راندن زنان از محیط کار است، بلکه تلویزیون نیز نگرش زن مادر ـ همسر را ترویج می‌کند. در بیشتر فیلم‌ها به ندرت با زن شاغل ـ متأهل روبه رو هستیم. دراین حالت با توجه به نقش تأثیرگذار رسانه، الگوی زن خانه‌دار رواج می‌یابد؛ امّا از مشکلات مربوط به بودن زن در خانه صحبتی به میان نمی‌آید. در الگوی خانوادگی ارائه شده در تلویزیون، اشتغال به کار زنان تهدید قدرت مرد در خانواده است. بنابراین، مناسب‌تر است که زن به فعالیت‌های سنتی خود بپردازد و ادارهٔ امور خارج از خانه را به مردان واگذار کند.

در دهه اخیر که نگرش رسانه‌ها و از آن جمله تلویزیون نسبت به مسئله اشتغال زنان تا حدی تغییر یافته با برجسته کردن زنانی که در بازار کار نقش شغلی دارند، جهان واقع زنان را به‌گونه‌ای ترسیم می‌کنند که در آن اکثر زنان شاغل‌اند. با چنین تصوری، مسئله اشتغال به یکی از دغدغه‌های اصلی زنان تبدیل می‌شود و در جامعه رسوخ می‌یابد. از سوی دیگر، زنانی که شاغل نیستند، احساس می‌کنند با جامعه ناهمرنگ‌اند و دچار فشار ناشی از ناهماهنگی شناختی خواهند شد و برای رفع آن اقدام خواهند کرد. که این مسئله در برخی برنامه‌ها به این صورت بیان می‌شود که فعالیت در بیرون از خانه مهّم‌تر از کار در خانه است و فواید بسیاری برای زنان دارا می‌باشد. و به وظایف زن در درون خانه و به پیامدهای منفی ناشی از اشتغال زنان در محیط خانه و اجتماع کمتر می‌پردازند. با توجه به تأثیرگذاری قوی رسانه در عرصه اجتماع و خانواده باعث می‌شود کار زن در بیرون از خانه نسبت به کار در خانه اولویت پیدا کند.

نتیجه

عینیت یافتن و تجلیل از مقام والای زن را باید ملازم به ارتقای منزلت و پایگاه اجتماعی زنان و فراهم ساختن زمینه مشارکت بیشتر آنان در امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دانست.

از این‌رو باید موانع اشتغال زنان رو از بین برد تا زنان نیز بتوانند در عرصه‌های مختلف به خصوص در شغل‌هایی که مخصوص زنان است رشد نمایند. البته این نکته را نیز باید در نظر گرفت که پیامدهای مثبت و منفی نیز برای اشتغال زنان و همچنین زنان خانه‌دار وجود دارد. زنانی که تنها در خانه کار می‌کنند باعث می‌شود وظایف مادری و همسری خود را به خوبی اجرا کنند و این نقطه قوت می‌باشد امّا در عرصه جامعه هیچگونه فعالیتی ندارند که این عدم فعالیت در عرصه اجتماع باعث انزوای زن و عدم رشد و عدم اعتماد به نفس او می‌شود.

زنانی که علاوه بر کار خانه در جامعه نیز فعالیت دارند باعث شود که بتوانند در عرصه‌های مختلف رشد کنند و به موفقیت دست یابند. افزایش حس اعتماد به نفس، مفید بودن، افزایش قدرت تصمیم‌گیری و مواجهه مناسب با حوادث زندگی و افزایش قدرت خلاقیت و کارآیی زنان از پیامدهای مثبت اشتغال زنان می‌باشد.

امّا اشتغال زنان پیامدهای منفی نیز در بردارد ازجمله مشکلات جسمانی و روانشناختی از قبیل احساس گناه و اضطراب خواهد داشت. اشتغال برای زنان یک نقش اضافی تلقی می‌شود، هر نقش اضافی نیز منجر به افزایش فشار بر وقت و انرژی فرد می‌شود. یکی از دغدغه‌های

اصلی زنان شاغل نگرانی‌های مربوط به فرزندانشان است. این نگرانی‌ها در محیط کار تبدیل به یک مشغولیت ذهنی مداوم می‌شود که به نوبه خود بر کیفیت کار زنان مؤثر است.

رسانه‌ها در گذشته نسبت به اشتغال زنان در بیرون از خانه رویکرد مثبتی نداشت و بیشتر آنان را در چارچوب خانه و فرزندان نشان می‌داد امّا با گذشت زمان رویکرد رسانه نسبت به مسئله اشتغال زنان بهبود یافته است. زنان را هم در محیط خانه و هم در جامعه در قالب نقش‌های اجتماعی نشان می‌دهد که می‌توانند در این عرصه نیز به موفقیت‌هایی دست یابند. امّا بیشتر به پیامدهای مثبت هر دو حالت می‌پردازد.

رسانه‌ها می‌توانند با نشان دادن فیلم‌ها و برنامه‌هایی که زنان هم در خانه و هم در محیط بیرون از خانه کار می‌کنند بر این نکته تأکید کنند که اگر زنان به مشارکت اقتصادی به مثابهٔ فرصتی برای ارتقای منزلت اجتماعی و نقش ثانوی بنگرند، نقش‌های اصلی تعریف شده برای زنان را فدای انجام نقش شغلی خود نخواهند کرد و به انجام هر کاری تن در نخواهند داد. این مسئولیت خارج از خانه نباید با وظایف زنان در خانه مغایرت داشته باشد و یا آنکه آن وظایف مهّم از جمله مادری و همسری را فراموش کنند و هر دو وظایف باید در راستای هم باشد تا هم سبب رشد زن و هم رشد جامعه شود.

منابع

- اعزازی، شهلا، (۱۳۷۳)، **خانواده و تلویزیون**، گناباد: نشر مرندیز.
- امرائی، حسن، (۱۳۸۸)، **مهندسی سیاست**، تهران: شوکا.
- آلتون، بلاد، (۱۳۳۳)، **علل گسیختگی علایق خانوادگی در جهان غرب**، نورعلم.
- بیرو، آلن، (۱۳۷۰)، **فرهنگ علوم اجتماعی**، چ دوّم، تهران: کیهان.
- پیر جلیلی، زهرا، (۱۳۹۴)، **زن و رسانه‌ها**، تهران: جامعه شناسان.
- جارالله‌ی، عذرا، (۱۳۷۲)، **مقاله تاریخچه اشتغال زن در ایران**، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۳و۴.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۸۳)، **لغت نامه دهخدا**، زیر نظر دکتر محمد معین، مؤسسه دهخدا.
- زعفرانچی، لیلا سادات، (۱۳۸۸)، **اشتغال زنان**، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، تهران.
- زنجانی‌زاده، هما، (۱۳۸۳)، **زنان، برابری جنسیتی، مشکلات و موانع، مجموعه مقالات بررسی موانع فرهنگی توسعه استان ایلام**.
- سعیدیان، فرنگیس، (۱۳۸۴)، **مقاله اشتغال زنان و تغییر وضعیت زن در خانواده**، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد خلخال، شماره۳.
- سووه، توماس، (۱۳۴۵)، **فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی**، ترجمه آزاده، تهران: مازیار.
- سیف اللهی، سیف‌الله، (۱۳۷۳)، **مبانی جامعه شناسی اصول، مبانی وسایل اجتماعی**، چ سوم، گناباد.
- کارشناسی، مجید، (۱۳۷۶)، **مقاله مطالعه اشتغال زنان از دیدگاه جامعه‌شناسی کار و شغل**، نشریه علمی ـ پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، شماره ۹.
- محتشمی، بتول، (۱۳۷۸)، **اشتغال زنان، بایدها و نبایدها**، فصل نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۳.

— مدنی‌پور، نادیا، (۱۳۸۵)، **مقاله نگاهی به اشتغال زنان**، ماهنامه پیام زن، شماره ۱۷۳.
— میرخندان، راضیه سادات، (۱۳۹۲)، **مادر خوب: خانه‌دار یا شاغل**، پیام زن، شماره ۲۶۱.
— https://hawzah.net/
— http://www.islamic-family.com